

تاریخ و فرهنگ بختیاری در آینه گزارش سیاحان

○ غفارپور بختیاری

ارثی شاخه چهارلنگه روانه خوزستان گردید. با رسیدن بهرام میرزا و راولینسون به کوه منگشت و قلعه تل، مقر محمد تقی خان بختیاری، او تسلیم شد و لذا شاهزاده قاجار و راولینسون پس از چند روز میهمانی نزد خان بختیاری به مرکز مراجعت نمودند. کسروی در تاریخ پانصد ساله خوزستان معتقد است که حضور راولینسون و دخالت او در این ماجرا باعث گردید که لشکرکشی بهرام میرزا بی نتیجه بماند. راولینسون شرح این سفر جنگی خود را با عنوان گذر از زهاب به خوزستان به رشته تحریر در آورد. او در این سفرنامه ضمن توصیف شهرها و مناطق سرراه، به بررسی مسائل گوناگون ایل بختیاری پرداخته است. شاخه‌ها، و شعبه‌ها، و طوایف ایل بختیاری، نحوه و میزان پرداخت مالیات توسط آنها، قدرت و ثروت و سیاست محمد تقی خان بختیاری، کشاورزی و زراعت مناطق بختیاری نشین، اعتقادات مذهبی، زبان، آداب و رسوم و سایر صفات، ویژگی‌ها و روحیات بختیاری‌ها در سفرنامه وی تشریح شده است.

یکی از مهمترین منابع تاریخ ایران - حداقل از دوره صفوی به بعد - سفرنامه‌های سیاحان و مسافرانی است که به ایران آمده و خاطرات و دیده‌ها و شنیده‌های سفر خود را به رشته تحریر درآورده‌اند.

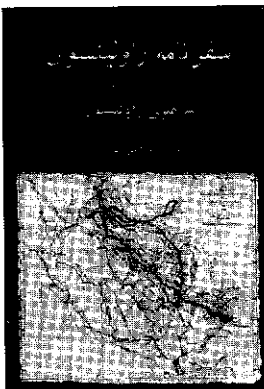
هر محقق و پژوهشگری که در زمینه تحقیقات ایران‌شناسی کار می‌کند نیازمند مراجعه به سفرنامه‌ها است. عده‌ای از مسافران و سیاحان خارجی در سفر به ایران وارد سرزمین ایل بختیاری نیز شده و با مسائل مختلف بختیاری‌ها آشنایی پیدا نموده‌اند. آنان کتاب‌ها و سفرنامه‌های ارزشمندی از خود به یادگار گذاشتند که همچون آینه، بسیاری از مسائل و اوضاع گذشته ایل بختیاری را به عصر مامعکس می‌نمایند. در این نوشتار سفرنامه‌های آن عده از سیاحان خارجی و داخلی که به فارسی ترجمه و منتشر شده است، به ترتیب توالی زمان حضور نویسندگان آنها در میان بختیاریها معرفی و بررسی می‌شود.

۲. لایارد، سر هنری اوستن: سفرنامه لایارد، ترجمه مه‌راب امیری، انتشارات آنزان، تهران، چاپ دوم (چاپ اول از ویرایش جدید)، ۱۳۷۶، ۳۵۶ ص.

سر هنری لایارد، باستان‌شناس و دیپلمات برجسته انگلیسی که به خاطر کشف نینوا، پایتخت باستانی دولت آشور شهرت جهانی یافت، در سال ۱۸۴۰ م / ۱۲۵۶ ق / تحت عنوان بررسی آثار باستانی خوزستان (منطقه گرمسیری ایل بختیاری) به آنجا مسافرت نمود. او در آنجا به حضور محمد تقی خان چهارلنگ، خان مشهور بختیاری رسید. زمان حضور لایارد در میان بختیاری‌ها جالب توجه

۱. راولینسون، سر هنری: سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)، ترجمه اسکندر امان‌اللهی بهاروند، انتشارات آگاه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲، ۱۵۹ ص.

سر لشکر هنری راولینسون، نظامی انگلیسی و کاشف خطوط کتیبه بیستون در سال ۱۸۳۳ م / ۱۲۴۹ ق / برای نخستین بار با عنوان و درجه ستوانی و در سن بیست و دو سالگی به همراه هیئت انگلیسی وارد ایران گردید. وی مدتی بعد مشاور بهرام میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار گردید و در سال ۱۸۳۶ م - ۱۲۵۲ ق / به همراه وی برای سرکوبی محمد تقی خان بختیاری، خان متنفذ و مقتدر طایفه کیان



**هنری راولینسون،
نظامی انگلیسی و
کاشف خطوط کتیبه
بیستون، در سال
۱۸۳۶م/ ۱۲۵۲ق
به همراه
بهرام میرزا،
فرزندفتحعلی شاه
برای سرکوبی
محمد تقی خان بختیاری
روانه خوزستان
گردید.
شرح این سفر
تحت عنوان
گذر از ذهاب
به خوزستان،
ترجمه و منتشر
شده است**

است. این زمانی است که محمد شاه قاجار به هرات لشکر کشیده و آنجا را به محاصره در آورده بود. دولت انگلیس برای بازگرداندن وی از هرات، ضمن تحریک شاهزادگان قاجار برضد محمد شاه و تشویق آقاخان محلاتی به شورش بر ضد دولت مرکزی تصمیم گرفت از ایلات صاحب قدرت بر ضد محمد شاه حمایت کند. به نظر می‌رسد سفر لایارد به میان بختیاری‌ها ظاهراً به عنوان دیدار آثار باستانی بوده ولی در حقیقت هدف فوق را دنبال می‌کرده است. لایارد پس از رسیدن به قلعه تل، مقر محمد تقی خان، از سوی خان، برادران و سایر اعضای خانواده‌اش به گرمی پذیرفته شد و به ویژه پس از معالجه پسر مورد علاقه خان بیش از پیش مورد احترام و تکریم خان و همسرش قرار گرفت. او در طی مدتی که در میان بختیاری‌ها بود به لباس بختیاری ملبس گردیده و به زبان فارسی و لهجه بختیاری صحبت می‌کرد. لایارد با بهره بردن از سعه صدر خان بختیاری و باحمایت وسیع و همه جانبه وی اقدام به باز دید و بررسی آثار و اماکن باستانی خوزستان همچون اشکفت سلمان، کول فرح و... نمود. اما بی شک مهم‌ترین اقدام لایارد به هنگام حضور در میان بختیاری‌ها، عزیمتش به جزیره خارک از جانب خان بختیاری بود. محمد تقی خان او را به نزدفرمانده نیروهای انگلیسی در خارک به نام کلنل هنل فرستاد تا بپرسد آیا آنان در مقابل شاه از وی حمایت می‌نمایند؟ و آیا دولت انگلیس او را به عنوان حکمران مستقل خوزستان به رسمیت می‌شناسد یا خیر؟

لایارد روانه جزیره خارک گردید اما چون در این هنگام محمد شاه قاجار محاصره هرات را ترک کرده بود و دو دولت انگلیس و ایران مصالحه کرده بودند لذا کلنل هنل جواب منفی به تقاضای خان بختیاری داد و لایارد با ناامیدی به قلعه تل بازگشت و پیام را به خان بختیاری رساند. با لشکرکشی منوچهرخان معتمدالدوله، حاکم اصفهان به خوزستان و دستگیری محمد تقی خان، لایارد بازدید از آثار و اماکن باستانی را ادامه داد اما هیچگاه محبت و میهمان نوازی خان بختیاری راقاموش نکرد. سفرنامه وی مشحون از اطلاعات گوناگون درباره ایل بختیاری است و تقریباً هیچ نکته‌ای از چشم تیز بین او مخفی نمانده است.

۳- دوبد، بارون: سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه

محمد حسین آریا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱، ۵۰۶ ص.

بارون کلمنت اوگوستوس دوبد، سیاح روسی و نایب اول سفارت روسیه در تهران علاوه بر فعالیت سیاسی، عضو انجمن سلطنتی جغرافیای لندن بود و علاقه زیادی به باستان‌شناسی و انجام مطالعات تاریخی و باستانی در مشرق زمین داشت. وی در غروب روز ۲۳ دسامبر ۱۸۴۰ / ۱۲۵۶ هـ ق به قصد مسافرت به جنوب ایران و دیدن آثار باستانی تخت جمشید از دروازه‌های تهران خارج گردید. ترتیب شهرهایی که وی از آنها عبور کرده است بدین گونه است: قم، کاشان، اصفهان، آباد، پاسارگاد، تخت جمشید، استخر، شیراز، کازرون، ممسنی، بهبهان، مالمیر (ایذه)، شوشتر،

دزفول، شوش، پل دختر، خرم‌آباد، بروجرد، سلطان آباد، قم، تهران.

این سفرنامه شامل سی فصل است که فصل‌های پانزده تا بیست و یک آن درباره مسائل مختلف ایل بختیاری است. از فصل پانزدهم مسافرت و حضور نویسنده در سرزمین خوزستان که قشلاق عشایر بختیاری می‌باشد آغاز می‌گردد. دوبد قبلاً به معتمدالدوله گرجی، حاکم اصفهان قول داده بود که اگر چه نمی‌تواند او را رد لشکرکشی‌اش به خوزستان برای سرکوب محمدتقی خان بختیاری همراهی کند اما هنگام بازگشتش از تخت جمشید، در شوشتر به حاکم ملحق خواهد شد.

نویسنده سفرنامه پس از رسیدن به مال‌امیر (ایذه کنونی) به حضور محمدتقی خان چهارلنگ بختیاری رسید. اما خان او را به سردی پذیرفت و توجه زیادی به وی ننمود. شاید خان بختیاری به روابط او با معتمدالدوله پی برده و یا نظر خوشی نسبت به روس‌ها نداشت. دوبد که خان را نسبت به خود سرد و بی محبت دید آنجا نماند بلکه به معتمدالدوله که در همان نزدیکی اردو زده بود پیوست. معتمدالدوله او را از بازگشت به تهران منصرف نمود و از او خواست که تا شوشتر او را همراهی کند. مطالبی که از این پس نویسنده درباره روابط و برخوردهای معتمدالدوله و محمد تقی خان ارائه می‌دهد تقریباً همانند گزارش‌های لایارد می‌باشد. با این تفاوت که لایارد به علت دوستی و صمیمیتی که با خان بختیاری داشت او را تمجید و دشمنش معتمدالدوله را تقیب و مورد انتقاد قرار می‌دهد اما دوبد که از جانب خان به سردی پذیرفته شد اما از جانب حاکم مورد استقبال گرم قرار گرفته بود، بیشتر جانب حاکم را گرفته و از رفتار و اعمال خان بختیاری انتقاد نموده است. دوبد و لایارد که هر دو تعلقات باستان‌شناسی داشتند و قبلاً در همدان یکدیگر را ملاقات کرده بودند، در اینجا نیز یکدیگر را دیدند. آنها بعدها نیز دیدارهایی در اروپا با هم داشتند. دوبد نیز همچون لایارد نحوه استقبال محمد تقی خان از معتمدالدوله را به تفصیل بیان می‌کند. نویسنده فصل هفدهم کتاب خود را به ذکر ماجرای بازدید از آثار تاریخی و باستانی مال‌امیر چون اشکفت سلمان، جاده اتابکان، شهرسوسن یا شوشان و محل اصلی ایذج باستانی اختصاص داده است. در فصل هیجدهم نیز محل احتمالی شهر اوکسیان که اسکندر مقدونی بر سر راه شوش به تخت جمشید آن‌را محاصره کرده بود توضیح داده شده و اطراف اشکفت سلمان حدس زده شده است. فصل نوزدهم به وضعیت و مسائل مختلف بختیاری‌ها اختصاص دارد: تقسیم بندی ایلات و طوایف بختیاری، نکاتی تاریخی درباره بختیاری‌ها، تقسیم بندی آنها به چهارلنگ و هفت‌لنگ و روابط آنها با هم، سیاست و اخلاق محمدتقی خان، جغرافیای طبیعی سرزمین بختیاری، روحیات و صفات و خوراک و پوشاک بختیاری‌ها از جمله موضوعاتی هستند که توجه نویسنده را به خود جلب نموده است.

در فصل‌های بیستم و بیست‌ویکم نیز مطالب دیگری در باره مسائل مختلف بختیاری‌ها وجود دارد. در فصل‌های بعدی به اعراب، لرهای کوچک و سایر اقوام پرداخته می‌شود.

سفرنامه بارون دوبد در سال ۱۸۴۵ م در لندن منتشر گردید.

۵- باین و هوسه: سفرنامه جنوب ایران، ترجمه و تعلیقات از محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به تصحیح میر هاشم محدث، انتشارات دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ۲۱۳ص.

این دو دانشمند فرانسوی در سال ۱۸۸۵ م (۳-۱۳۰۲ ه.ق.) به جنوب ایران مسافرت نمودند. هدف این دو نفر که در رشته‌های علمی متخصص بودند انجام تحقیقات مردم‌شناسی، نژادشناسی و باستان‌شناسی در ایران بود. آنان که دوربین عکاسی همراه داشتند، ضمن مسافرت علمی خود، سفرنامه عامه پسندی نیز از خود بجا گذاشتند. در سال ۱۸۸۷م. هوسه به تنهایی گزارشی از این سفر را در مجله «دور دنیا» چاپ کرد و در سال ۱۸۹۲ م نیز سفرنامه مشترک آنها در چهار شماره همان مجله منتشر گردید. به دستور ناصرالدین شاه، سفرنامه باین و هوسه در سال ۱۳۱۰ ه. ق توسط محمد حسن خان اعتمادالسلطنه ترجمه گردید. اما مترجم چون نوشته‌های آنان را درباره مسائل جغرافیایی و تاریخی ضعیف و پرآشوبه دید، توضیحات و تعلیقات ارزشمندی بر نوشته‌های آن دو افزود. ترجمه اعتمادالسلطنه از این سفرنامه برگردان کلمه به کلمه نیست بلکه وی هر جا که لازم دیده و یا اطلاعات و نوشته‌های آنان را اشتباه و ناقص دانسته، خود توضیحات صحیح و بیشتری ارائه داده است. مترجم ابتدا نوشته‌های آن دو فرانسوی را با ذکر جمله «مسافرین مزبور می‌نویسند» آورده است. سپس نظر خود در آن باره را به تفصیل با ذکر جمله «مترجم می‌گوید» ارائه داده است.

اعتمادالسلطنه معتقد است غالب مطالب آنها از حلیه دانش و بینش خارج است و می‌نویسد: «بحمدالله تعالی این چاکر بی مقدار که یکی از پست‌ترین رعایای شاهنشاه کثیرالافتداری است یقیناً صد درجه بهتر و مفیدتر از این اشخاص که خود را از علما و مسافرین فرنگ می‌دانند چیز می‌تواند نوشت و تحقیقات علمی تواند کرد.»

اعتمادالسلطنه در پایان سفرنامه جنوب ایران حدود ۱۲ صفحه درباره منطقه مال امیر (ایذه کنونی) به آن اضافه نموده است. آقای میر هاشم محدث با اساس قرار دادن نسخه کتابخانه ملی تهران و مقابله آن با نسخه کتابخانه ملی ملک، این سفرنامه را تصحیح کرده‌اند اما از نسخه موجود دیگر یعنی کتابخانه عمومی اصفهان استفاده ننموده‌اند.

در این سفرنامه درباره مناطق و شهرهای دزفول، شوستر، مال امیر (ایذه)، قلعه تل، میداود، راهمزم، بهبهان، ارجان و کهگیلویه، بندر دیلم، بندر گناوه، بندر ریگ، شبانکاره، دالکی، کازرون، شیراز، و تخت جمشید که دو مسافر فرانسوی از نزدیک دیده‌اند سخن رفته است.

باین و هوسه پس از رسیدن به قلعه تل، مقرحکومتی بختیاری در خوزستان با داراب خان بختیاری ملاقات کرده و مورد پذیرایی او قرار گرفتند. دو مسافر فرانسوی درباره آداب و رسوم، صفات، خصوصیات فردی و اجتماعی، باورها

و اعتقادات بختیاری‌ها و صفات، روحیات و طرز زندگی زنان بختیاری مطالب مفصلی نوشته‌اند. آن دو درباره طایفه دینارونی بختیاری، اتابکان لر بزرگ و ایذج، پایتخت آنها و نظر این بطوطه درباره این شهر اظهار نظر کرده‌اند. آنان از حضور لایارد انگلیسی در این منطقه که در گذشته صورت گرفته بود اطلاع داشتند و لذا به هنگام دیدن آثار باستانی و تاریخی اطراف ایذه همچون اشکفت سلمان از لایارد یاد می‌کنند.

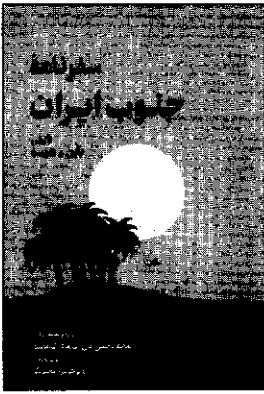
اگرچه نوشته‌ها و اطلاعاتی که نویسندگان این سفرنامه می‌دهند، سطحی است، با این همه بعضی مطالب جالب در سفرنامه آنها مشاهده می‌شود. آنها از فقر و تهی‌دستی، جسارت، و زندگی پر از رنج و زحمت بختیاری‌ها سخن می‌گویند. غلامحسین افضل الملک در کتاب خود به نام افضل التواریخ چند صفحه را به ذکر این سفرنامه اختصاص داده است.

۵ - پیشوب، ایزابلا: از بیستون تا زردکوه بختیاری، ترجمه مهرباب امیری، نشر سپند و نشر آئزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۲۳۵ص.

ایزابلا پیشوب، بانوی اسکاتلندی الاصل و عضو انجمن‌های خیریه، در فوریه ۱۸۹۰/ جمادی الثانی ۱۳۰۷ از طریق بغداد وارد ایران شد و پس از رسیدن به اصفهان، در ۳۰ آوریل همان سال ۹/ رمضان ۱۳۰۷ روانه چهارمحال و بختیاری گردید.

وی را در این سفر سرگرد هارست سیر، عضو سازمان جاسوسی ارتش هند انگلیس همراهی می‌کرد که تصمیم داشت در کوه‌های زاگرس نقشه برداری و بررسی نظامی انجام دهد. عنوان اصلی کتاب پیشوب سفرهایی در ایران و کردستان نام دارد که مترجم بختیاری تبار، تنها قسمتی از سفرنامه را که در باره سرزمین بختیاری و لرستان بوده ترجمه کرده و عنوان از بیستون تا زردکوه بختیاری را برای آن انتخاب نموده است. علت مسافرت طاقت فرسا و پرخطر نویسندگانه به مناطق صعب العبور بختیاری روشن نیست و خود وی نیز در این باره سخن نمی‌گوید. سفرنامه پیشوب دو ویژگی مهم دارد. اول اینکه چون او انگلیسی بوده لذا در طول یادداشت‌های خود مستقیم و غیرمستقیم از سیاست‌های دولت انگلیس ستایش نموده است و دوم اینکه چون زن بوده لاجرم توجه بیشتر خود را معطوف مسائل زنان بختیاری نموده است.

در این سفرنامه درباره مسائل و موضوعات مختلفی چون جغرافیای طبیعی منطقه بختیاری، ریشه‌یابی نژادی بختیاری‌ها، تقسیمات هفت لنگ و چهارلنگ طوایف بختیاری، جمعیت، نیروی نظامی، خوراک، پوشاک مردان و زنان، مذهب، عزاداری، وضعیت کشاورزی، آداب و رسوم، تاریخ، رابطه با انگلیس و سایر مسائل بختیاری‌ها بحث شده است. خانم پیشوب از میان مناطق مسکونی دو شاخه هفت لنگ و چهار لنگ بختیاری عبور کرده و یاخوانین طوایف دورکی، زلکی، موگویی و فولادوند دینار داشته است.



سرهنری لایارد، باستان شناس و

دیپلمات بر جسته انگلیسی

که به خاطر کشف نینوا،

پایتخت باستانی دولت آشور

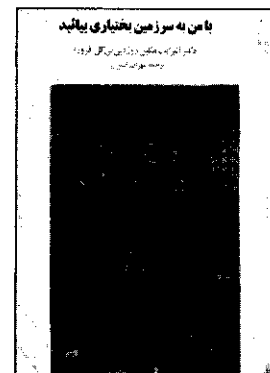
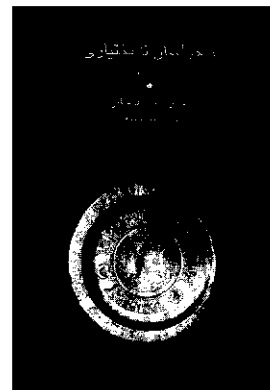
شهرت جهانی یافت، در سال ۱۸۴۰م /

۱۲۵۶ ق تحت عنوان

بررسی آثار باستانی خوزستان

(منطقه گرمسیری ایل بختیاری)

به آنجا مسافرت نمود



«باین» و «هوسه»
 دو دانشمند
 فرانسوی بودند
 که در سال
 ۱۳۰۲-۳ / ۱۸۸۵ ق
 به جنوب ایران
 مسافرت نمودند.
 هدف آنها
 انجام تحقیقات
 مردم‌شناسی،
 نژادشناسی
 و باستان‌شناسی
 در ایران بود

۶- آلمانی، هانری رنه د: از خراسان تا بختیاری، ترجمه
 غلامرضا سمیعی، ۲ جلد، انتشارات طاوس، تهران، چاپ
 اول، ۱۳۷۸، ۷۵۰ ص (جلد اول) ۹۲۶ ص (جلد دوم)
 نویسنده کتاب طی دهه نود قرن نوزدهم به ویژه در
 سال ۱۸۹۹ م در آسیای میانه و شهر عشق آباد در
 جستجوی آثار باستانی و عتیقه جات به سربرده است. در
 ماه ژوئن سال ۱۹۰۷ م. به توصیه صمد خان، سفیر ایران در
 پاریس باعلیقلی خان سردار اسعد، خان روشنفکر و مشروطه
 خواه بختیاری در پاریس دیدار نمود. سردار اسعد وی را
 تشویق و ترغیب به دیدار از سرزمین بختیاری نمود.
 نویسنده در همین سال از پاریس حرکت نموده و با عبور
 از مناطق و شهرهای قسطنطنیه، سامسون، ترابوزان، باتوم،
 تفلیس، باکو، کراستوودسک، عشق آباد، قوچان، مشهد،
 نیشابور، سبزوار، شاهرود، دامغان، سمنان، مازندران، ورامین،
 تهران، قم، کاشان به اصفهان می‌رسد. سپس در ۱۶ اکتبر
 ۱۹۰۷ م از اصفهان حرکت نموده و پس از عبور از نجف آباد،
 سامان و چالستر در شب بیستم اکتبر به قریه جونقان، ملک
 اربابی علیقلی خان سردار اسعد وارد می‌شود.
 قبل از رسیدن به جونقان، نویسنده و همراهانش در
 چالستر مهمان خدارحم خان و در قصر قریه چورکچیان
 مهمان فتح‌اله خان ضیغم السلطنه (سردار ارشد بعدی)، پسر
 عموی سردار اسعد بودند. پس از رسیدن به جونقان آنها در
 قصرمجلل سردار اسعد سکنی گزیده و خسروخان سالارارفع
 (سردار ظفر بعدی)، برادر کوچکتر سردار اسعد از آنان پذیرایی
 نمود. نویسنده سالارارفع را مردی بسیار آداب دان و مطلع از
 شهر پاریس می‌داند که می‌تواند هزارچندگاهی سخنان خود را
 با چند کلمه فرانسوی بیارید. فصل سیزده کتاب از خراسان تا
 بختیاری به تشریح سفرنویسنده و همراهان از اصفهان تا
 جونقان اختصاص دارد. در فصل چهاردهم، نویسنده به
 موضوعات و مطالب مختلفی چون وضع جغرافیایی ناحیه
 بختیاری، گیاهان، آبها، راهها، آب و هوا، میزان جمعیت، بیلاق
 و قشلاق، دامداری، صفات و خلقیات، شیوه انتقام‌گیری و قلع
 و قمع دشمنان، تسلیحات، سوار کاری، زنان، طرز تغذیه،
 لباس، بهداشت و نظافت، مراسم زناشویی، تشریفات عروسی،
 کودکان، طبابت زنان، دین و مذهب، مراسم خاکسپاری،
 گورستانها، زراعت، آبیاری، نحوه تقسیم محصول، تقسیمات
 سیاسی ناحیه بختیاری و مالیات آنها می‌پردازد. ذکر زندگی
 و اقدامات سه تن از خوانین مشهور بختیاری یعنی محمد
 تقی خان کیان ارثی (چهار لنگ)، جعفرقلی خان بهداروند و
 حسینقلی خان ایلخانی بختیاری از دیگر مطالب کتاب است.
 نویسنده سپس به سه مقام معتبر ایل بختیاری یعنی ایلخانی،
 ایل بیگی، و حاکم چهار محال و وظایف و مسئولیت‌های آنان
 اشاره می‌کند. سپس مقام و مسئولیت خان و کدخدا را تشریح
 می‌کند و جانشینان حسینقلی خان ایلخانی را پس از قتل وی
 توسط ظل‌السلطان نام برده و تشریح می‌نماید. در پایان این
 فصل نویسنده به موقعیت جغرافیایی ناحیه چهارمحال و
 بختیاری می‌پردازد.
 در فصل پانزدهم نویسنده به بررسی و تشریح جزئیات
 کاخ سردار اسعد در جونقان می‌پردازد و موقعیت جغرافیایی
 این روستا که ملک اربابی علیقلی خان سردار اسعد بوده را

توضیح می‌دهد. سپس دربارهٔ بیماران مختلفی که به وی و
 همراهانش جهت معالجه رجوع می‌نمودند، سخن می‌گوید.
 در روز بیست و دوم اکتبر، نویسنده و همراهان با میزبانان
 خود در روستای جونقان خداحافظی نموده و از همان
 مسیری که آمده بودند به اصفهان باز می‌گردند.

۷- مکن روز، الیزابت: بایان به سرزمین بختیاری
 بیاید، ترجمه مهراب امیری، نشر سپند، تهران، چاپ اول،
 ۱۳۷۳، ۲۴۸ ص.

الیزابت مکن روز، بانوی پزشک انگلیسی در سال
 ۱۹۰۹ م / ۱۳۲۷ ق همزمان با فتح اصفهان و تهران توسط
 بختیاری‌ها وارد سرزمین چهارمحال و بختیاری شد و
 مدت‌ها با بختیاری‌ها حشر و نشر داشت و نزد آنها به طبابت
 مشغول بود.

دربارهٔ علت سفر خود به سرزمین چهارمحال و بختیاری
 می‌نویسد: نجفقلی خان صمصام‌السلطنه در اصفهان ضمن
 ملاقات با وی تقاضا نمود که جهت معالجه بیماران
 بختیاری به آن سرزمین مسافرت نماید. مکن روز در
 سرزمین بختیاری به طبابت مشغول شد و به ویژه با زنان
 بختیاری دوستی و صمیمیت پیدا نمود. به حدی که مادران،
 خواهران و زنان خوانین بختیاری که مکن روز به معالجه و
 معاینه آنها می‌پرداخت نام بختیاری «بی بی گل افروز» را
 برای وی انتخاب نموده بودند.

کتاب از دو قسمت تشکیل می‌شود. قسمت اول
 یادداشتهای نویسنده است و به سیزده فصل تقسیم
 می‌شود. فصل اول به چگونگی علاقمند شدن به مشرق
 زمین، ایران و سرزمین بختیاری اختصاص دارد. فصل دوم
 دربارهٔ نام‌ها و القاب بختیاری‌ها می‌باشد. فصل سوم به
 بررسی تاریخ بختیاری و ریشه یابی نژادی، قومی و زبانی
 بختیاری‌ها اختصاص دارد. فصل چهارم به تشریح موقعیت
 جغرافیایی چهارمحال و بختیاری می‌پردازد. فصل پنجم
 دربارهٔ وضعیت ازدواج و زناشویی بختیاری‌ها است و
 فصل‌های ششم تا سیزدهم به ترتیب پیرامون این
 موضوعات است: «اعتقادات دینی و مبنای مذهبی»، «وضع
 تعلیم و تربیت»، «مقام و موقعیت زن»، «نظام سیاسی، ایلی
 و عشیره‌ای»، «خوراک و پوشاک»، «روابط خانوادگی و
 خویشاوندی»، «موقعیت کودکان»، «آب‌بند بختیاری‌ها».
 قسمت دوم کتاب را یادداشت‌های مترجم تشکیل می‌دهد.
 در این قسمت نوشته‌های ارزشمندی دربارهٔ رجال
 بختیاری همچون علی مردان خان، اسد خان، جعفرقلی
 خان، کلبعلی خان، آقاعلی‌داد، حسینقلی خان ایلخانی،
 اسفندیارخان، نجفقلی خان صمصام‌السلطنه، مرتضی قلی
 خان صمصام، علی قلی خان سردار اسعد، جعفرقلی خان
 سردار اسعد سوم، خسرو خان سردار ظفر، امامقلی خان حاج
 ایلخانی، غلامحسین خان سردار محتشم، لطفعلی خان امیر
 مفخم، نصیرخان سردار جنگ، رضا قلی خان ایلگی و
 محمد تقی خان چهارلنگ به کتاب افزوده شده است. این
 کتاب در شمارهٔ چهارم کتاب ماه تاریخ و جغرافیا معرفی و نقد
 گردید. (سال چهارم، شماره چهار، بهمن ۱۳۷۹)

۸- انه. کلود: اوراق ایرانی (خاطرات سفر کلودانه در آغاز مشروطیت)، ترجمه ایرج پروشانی، انتشارات معین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸، ۲۴۴ ص.

کلودانه نام مستعار ژان شویفر، جهانگرد، نویسنده و روزنامه نگار فرانسوی در نیمه اول قرن بیستم است که اصلاً از مردم سوئیس بود. اما چون شهر پاریس را برای کار و اقامت اختیار نمود به ملیت فرانسوی در آمد. او در ۲۸ ماه مه ۱۸۶۸ م در سوئیس دیده به جهان گشود و به سال ۱۹۳۱ م در پاریس در گذشت. این نویسنده نزدیک به سی سال از عمر خود را به خلق آثار ادبی و نمایشی، به ویژه نگارش مقاله و گزارش مطبوعاتی گذراند و سفرهای زیادی به مشرق زمین نمود. در نخستین دهه قرن بیستم و مقارن انقلاب مشروطیت سه بار از راه روسیه به ایران سفر کرده و از یک سو تا بخارو سمرقند و از سوی دیگر تا اعماق کوهستان‌های بختیاری را زیر پا گذاشت. کتاب گلهای سرخ اصفهان یا سیاحت ایران با تومبیل شرح نخستین سفر او از طریق روسیه و قفقاز به ایران است که با تومبیل و همراه چند تن از دوستانش صورت گرفت. این کتاب در سال ۱۹۰۷ م در پاریس منتشر شد.

کتاب اوراق ایرانی نیز گزارشی از دومین و سومین سفر وی به ایران است که در سال‌های ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ میلادی صورت گرفته است. مسیر وی در تابستان ۱۹۰۹ م، باکو، لنکران، انزلی، رشت، قزوین، تهران، دماوند، مازندران (مشهد سر)، کراسنودسک، عشق آباد، قوچان، مرو، بخارو سمرقند و در بهار سال ۱۹۱۰ م، انزلی، قزوین، همدان، سلطان آباد، قم، کاشان، اصفهان، و بختیاری بوده است. در سفر اول میهمان اکبر میرزا پسر ظل السلطان و در سفر بختیاری به همراه همسر خود میهمان پسر علیقلی خان سردار اسعد به نام ضیاء السلطان بوده است.

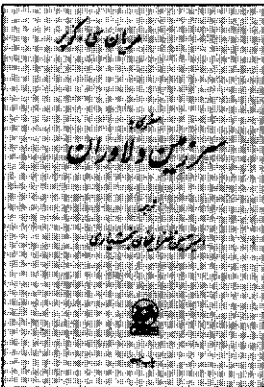
کلودانه فصل نهم سفرنامه خود (اوراق ایرانی) را به سفر به دیار بختیاری اختصاص داده که مشتمل بر ۳۵ صفحه است. وی ابتدا موقعیت جغرافیای طبیعی سرزمین چهارمحال و بختیاری را ترسیم می‌کند. سپس به اخلاق، روحیات و صفات مختلف بختیاری‌ها می‌پردازد. فتح اصفهان و تهران توسط بختیاری‌ها را شرح داده و پس از آن چگونگی مسافرت از اصفهان تا رسیدن به سرزمین چهارمحال و بختیاری را تشریح می‌نماید. پس از رسیدن به چهارمحال و بختیاری، کلودانه و همسرش در قصر بی بی مریم، خواهر سردار اسعد پذیرایی می‌شوند. سپس هیئت به سوی جوققان، محل سکونت و ملک آربابی علیقلی خان سردار اسعد بختیاری حرکت می‌کنند و پس از اقامت در قصر سردار اسعد توسط پسر وی به نام محمد تقی خان ضیاء السلطان (امیر جنگ بعدی) مورد پذیرایی قرار می‌گیرند. نویسندگان در آنجا به توصیف قصر سردار اسعد پرداخته و در باره تزئینات داخلی و زیبای آن توضیح می‌دهد. سردار اسعد در این زمان خود در جوققان نبود زیرا پس از فتح تهران، به عنوان وزیر داخله ایران مشغول کار بوده است. نویسنده سپس صفات جسمانی، طرز پذیرایی و مهمان نوازی، غذا خوردن و آواز خواندن بختیاری‌ها را توصیف می‌نماید. پس از آن مناظر اطراف قلعه

سردار اسعد، درختان گوناگون جوققان، مناظر طبیعی و فعالیت زنان و مردان بختیاری را تشریح می‌نماید.

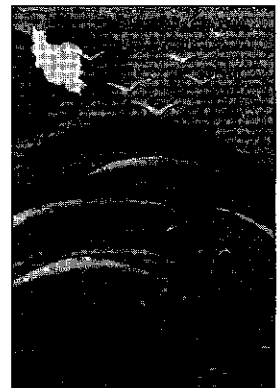
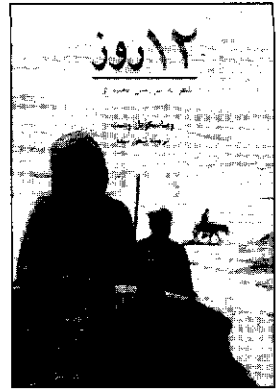
در ۱۶ مه ۱۹۱۰ م همسر نویسنده به دیدار بی بی خانم، خواهر ارشد سردار اسعد می‌رود اما خود نویسنده اجازه ملاقات با این بانوی بختیاری را پیدا نمی‌کند. نویسنده اظهار می‌دارد که بی بی خانم برادرش سردار اسعد را واداشت تا به تهران حمله کند و سوگند یاد کرده است که انتقام خون پدرش حسینقلی خان ایلخانی را از ظل السلطان بگیرد. در ۱۸ مه نویسنده در اطراف قریه جوققان گردش می‌کند و در اینجاست که توضیحات مفصلي پیرامون قبرستان‌های بختیاری و وجود شیرهای سنگی بر روی آنها، ارائه می‌دهد. در ۱۹ مه نویسنده و همراهانش از ضیاء السلطان و دیگر میزبانان بختیاری خداحافظی کرده و از طریق سامان به اصفهان باز می‌گردند.

۹- کوپر. مریان سی: سفری به سرزمین دلاوران، ترجمه امیر حسین ظفر ایلخان بختیاری، موسسه مطبوعاتی امیر کبیر، تهران، بی‌چاپ، بی‌تا، ۱۲۱ ص.

سه آمریکایی به نام‌های کاپیتان مریان سی کوپر، آقای اریب بومونت شود ساک و خانم مارگرت هاریسون در ذی القعدة الحرام سال ۱۳۴۲ / آوریل ۱۹۲۴ م طی چهل و شش روز همراه با طایفه بابا احمدی از ایل بختیاری موفق گردیدند تا از جهانگیری خوزستان خود را به دیمه چهارمحال و بختیاری برسانند. این سه نفر با هدف فیلمبرداری از پیکار واقعی یک قوم کوچ نشین با طبیعت برای حفظ بقا به سوی مشرق زمین عزیمت کردند اما به پیشنهاد سرآرنولد ویلسون، حاکم انگلیسی عراق و خانم جرتروبیل، سیاح مشهور، ایل بختیاری را برای رسیدن به هدف خود انتخاب نمودند. کوپر نام فیلم خود را «علف» گذاشت زیرا که مبارزه عشایر بختیاری با طبیعت برای رسیدن به علوفه برای دامهایشان بوده است. او علاوه بر تهیه فیلم، وقایع این سفر را نیز در کتابی به همین نام همراه با عکس‌های گرفته شده، در سال ۱۹۲۵ م منتشر نمود. این کتاب در هفدهم تیرماه ۱۳۳۴ توسط امیر حسین ظفر ایلخان بختیاری فرزند خسرو خان سردار ظفر به فارسی ترجمه و منتشر شد. در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۲۴ م که سه آمریکایی یادشده در شوشتر اقامت داشتند رحیم خان بختیاری وارد گردیده و دعوت آنها را از جانب ایلخانی بختیاری ابلاغ نمود. لذا مریان کوپر و همراهان او دعوت را پذیرفته و روانه اردوگاه خوانین بختیاری شدند. آنان با نصیر خان سردار جنگ ایلخانی بختیاری و محمد تقی خان امیر جنگ ایل بیگی بختیاری دیدار نمودند. به دستور امیر جنگ حیدرخان رئیس طایفه بابا احمدی بختیاری، همراهی مریان کوپر و دوستانش را با طایفه بابا احمدی به هنگام کوچ از خوزستان (گرمسیر) به چهارمحال و بختیاری (سرد سیر) قبول نمود. کوچ آغاز شد و طایفه بابا احمدی از شاخه هفت لنگ بختیاری پس از طی چهل و شش روز سخت و پرمشقت از کوه‌های



بارون کلمنت
اوگوستوس دوید
سیاح روسی
و نایب اول سفارت
روسیه در تهران،
علاوه بر
فعالیت سیاسی،
عضو انجمن
سلطنتی جغرافیای
لندن بود.
در سال ۱۸۴۰ م /
۱۲۱۹ ق
از آثار باستانی
فارس و خوزستان
و بختیاری
دیدن کرده است



صعب العبور، تنگه‌ها، گردنه‌ها و رودخانه‌ها عبور کرده و با همراهان آمریکایی شان به چهارمحال و بختیاری رسیدند. مریان کوپرو دوستانش طی این مسافرت از مسائل مختلف ایل بختیاری همچون تاریخ، شاخه‌ها و طوایف، آداب و رسوم، پوشاک، خوراک، نقش مردان و زنان در زندگی کوچ نشینی، دامها و احشام، چگونگی عبور عشایر و احشامشان از رودخانه‌ها، اختلاف طایفه‌ای و خانوادگی و به طور کلی نظام زندگی و شیوه کوچ نشینی بختیاری‌ها، فیلم، عکس و دست نوشته تهیه نمودند. کتاب سفری به سرزمین دلاوران از روی دست نوشته‌های کوپرو و همراهانش از این مسافرت تنظیم گردیده است. عکس‌های گرفته شده از این مسافرت نیز به صورت کامل و جالبی در این کتاب آورده شده است.

۱۰- سکویل وست، ویکتوریا مری: دوازده روز سفر به سرزمین بختیاری، ترجمه شفق سعید، انتشارات فروزان روز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۱۹۸ ص.

خانم ویکتوریا سکویل وست شاعر و نویسنده انگلیسی و همسر هارولد نیکلسون، کنسول انگلیس در تهران، دوبار به ایران مسافرت نمود. بار اول در سال ۱۹۱۶م/۵ - ۱۳۳۴ ق به همراه همسرش به ایران آمد که حاصل آن، نوشته‌ای تحت عنوان مسافر تهران است. این کتاب در سال ۱۳۷۵ به زبان فارسی ترجمه و منتشر گردید. وی برای بار دوم در سال ۱۹۲۷م/۱۳۰۶ ش یعنی در اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی به ایران آمد. این بار وی به همراه شوهرش و سه نفر از دوستان انگلیسی و آمریکایی خود به وسیله اتومبیل از طریق اصفهان و جاده بختیاری حرکت نمود و سپس با اسب و قاطر خود را به مسجد سلیمان رساند. گزارش این سفر که در سال ۱۹۲۸ در نیویورک منتشر شد مشحون از اطلاعات گوناگونی درباره بختیاری‌ها از قبیل اماکن دیدنی، آثار تاریخی، موقعیت جغرافیایی، نقش زنان، شیوه زندگی و نظام عشایری و خان سالاری می‌باشد. این گزارش در شهریور ۱۳۸۰ به طور همزمان توسط دو مترجم و دو ناشر به فارسی ترجمه و منتشر گردید. مشخصات کتابشناسی ترجمه دوم این سفرنامه چنین است: سکویل وست و ویکتوریا مری: دوازده روز در کوهساران بختیاری، جنوب غربی ایران، ترجمه مهراں توکلی، تهران، نشرنی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۱۵۵ ص.

۱۱- هاکس. مریت، ایران: افسانه و واقعیت، خاطرات سفر به ایران، ترجمه محمد حسین نظری نژاد، محمد تقی اکبری، احمدمهایی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ۲۶۶ ص.

خانم مریت هاکس (تولد ۱۸۸۷ م - نیویورک)، نویسنده و روزنامه نگار، در اواخر زمستان سال ۱۹۳۳م / ۱۳۱۱ ش از منچستر به سوی ایران حرکت کرد و به بندر بوشهر رسید. شهرها و مناطقی که وی از آنجا عبور کرد بدینگونه است: بوشهر، شیراز، سرزمین قشقایی، اصفهان،

یزد، کرمان، چهارمحال و بختیاری، قم، تهران، شمال ایران، تهران. در تهران بود که با دریافت تلگرافی غیر منتظره ایران را از طریق خاک عراق به سوی انگلستان ترک می‌کند. نویسنده فصل ششم سفرنامه خود را به دیدار از سرزمین چهارمحال و بختیاری و ملاقات با بختیاری‌ها اختصاص داده است. در این مسافرت مطالب و موضوعاتی درباره بختیاری‌ها همچون مهمان نوازی، شعر خوانی، آواز خوانی، طرز زندگی درون خانه و اجتماع، قبرستان‌ها و شیرهای سنگی آنها، جشن‌ها و رقص‌ها، مراسم و قوانین ازدواج، تعدد زوجات، مشاغل و وظایف زن و مرد، سیاست اسکان عشایر رضا شاه، خوراک، پوشاک، دامداری، کوچ نشینی، کشاورزی و حتی پشم مو، شیر و کره گوسفندان بختیاری‌ها تشریح گردیده است. نویسنده سفرنامه، در مسافرت به منطقه چهارمحال و بختیاری با رئیس ایل بختیاری ملاقات‌های متعددی داشته است. وی از این شخصیت تنها تحت عنوان امیر یاد می‌کند و به روشنی مشخص نیست که این امیر کدام یک از رجال و خوانین بختیاری بوده است. به احتمال خیلی زیاد این امیر بختیاری یوسف خان امیر مجاهد، پسر حسینقلی خان ایلخانی بختیاری و برادر سردار سعد بوده است. خانم هاکس به طور مکرر از پذیرایی و استقبال مفصل و به یاد ماندنی این امیر بختیاری یاد می‌کند. نویسنده مذاکراتی با او داشته و از جمله در باره روابط رضا شاه با بختیاری‌ها و سیاست اسکان عشایر و تضعیف ایلات با یکدیگر سخن گفته‌اند. او سخن مردان بختیاری را چنین نقل می‌کند: «این شاه چه کسی است؟ او بر ما شرفی ندارد. او صرفاً خودش، خود را شاه نامیده است پس چرا باید گوش به فرمان او باشیم؟» این سفرنامه برای شناخت بختیاریها در دوره رضا شاه و روابطشان با این شخصیت اهمیت دارد.

۱۲- داگلاس. ویلیام. او: سرزمین شکفت انگیز و مردمی مهربان و دوست داشتنی، ترجمه فریدون سنجر، انتشارات گوتنبرگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۳۴۶ ص.

ویلیام. او. داگلاس، قاضی مشهور دیوان عالی کشور آمریکا (تولد ۱۸۹۸ م) دو بار، طی سال‌های ۱۹۴۹م / ۱۳۲۸ش و ۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش به خاورمیانه مسافرت نمود در این مسافرت‌ها وی بیشتر وقت خود را در ایران میان ایلات و عشایر ایرانی سپری نمود. و مدت بسیار کمتری را در سوریه، لبنان، عراق و قبرس گذراند. کتاب مذکور حاصل این دو مسافرت است. در سفر به ایران، داگلاس بیشتر وقت خود را میان اقوام کرد، لر، بختیاری و قشقایی گذرانده است. نویسنده فصل‌های یازدهم تا چهاردهم کتاب خود را به ایل بختیاری اختصاص داده است. داگلاس در شلمزار، بیلاق تابستانی مرتضی قلی خان صمصام، پسر نجفقلی خان صمصام السلطنه باوی ملاقات می‌کند. او صفات جسمی و روحی مرتضی قلی خان بختیاری را ذکر کرده و حتی درباره زنان و فرزندان وی اطلاعات جزئی و دقیقی می‌دهد. سپس موقعیت جغرافیایی شلمزار را تشریح می‌نماید. نویسنده دو باره در سالهای ۱۹۴۹م و ۱۹۵۰م از

شلمزار دیدن نموده و هر دوبار با پذیرایی گرم مرتضی قلی خان مواجه شده است. فصل دوازدهم کتاب به ملاقات‌ها و مذاکرات نویسنده با مرتضی قلی خان درباره مسائل مختلف بختیاری‌ها و مسائل سیاسی اختصاص دارد. در فصل‌های سیزدهم و چهاردهم نیز نویسنده از مشکلات ودغدغه‌های بختیاری‌ها مانند فقدان پزشک و بیمارستان و مدرسه و وجود فقر، بی‌سوادی و بیماری یاد کرده و صفات و خصوصیات خوب بختیاری‌ها، چون مهمان‌نوازی را می‌ستاید.

۱۳- کریمی، اصغر: سفر به دیار بختیاری، انتشارات فرهنگسرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸، ۲۸۸ ص

این کتاب حاصل سه مسافرت ژان پیر دیگر، مردم‌شناس مشهور فرانسوی و اصغر کریمی، مردم‌شناس ایرانی به سرزمین چهارمحال و بختیاری است. ژان پیر دیگر بختیاری‌شناس مشهور، مقالات و کتابهای زیادی درباره شیوه زندگی و نظام کوچ نشینی بختیاری‌ها به رشته تحریر در آورده است. یکی از بهترین آثار وی کتاب مشهور فنون کوچ نشینی بختیاری می‌باشد. این کتاب و سایر نوشته‌های او درباره بختیاری‌ها توسط اصغر کریمی، نویسنده کتاب حاضر ترجمه گردیده‌اند. نویسنده این کتاب، علاوه بر این اثر، نوشته‌ها و مقالات دیگری نیز درباره بختیاری‌ها دارد. در خرداد ماه ۱۳۴۹ نویسنده از طرف مرکز مردم‌شناسی ایران مأموریت یافت که در چهار چوب همکاری‌های علمی بین‌المللی به همراه دیگر

مردم‌شناس فرانسوی، در ایل بختیاری به تحقیقات مردم‌شناسی بپردازد. او در این سه سفر ضمن انجام بررسی‌های مردم‌شناسی و تهیه یادداشت، عکس، نوار و فیش، به توصیه و تشویق دیگر، پس از فراغت از کار روزانه، وقایع روز را یادداشت می‌نمود که محصول آن یادداشت‌ها، کتاب حاضر می‌باشد. سفر اول نویسنده و ژان پیر دیگر در روز شنبه ۳ خرداد ۱۳۴۹ با حرکت از شهر کرد به سوی چلگرد (کوه‌رنگ فعلی) آغاز گردیده و در روز ۲۴ خرداد همین سال به پایان رسید. سفر دوم آن دو به همراه زن کرمانشاهی مردم‌شناس فرانسوی به نام شهناز در سوم خرداد ۱۳۵۱ با حرکت از تهران آغاز و در روز ۳۱ خرداد همان سال خاتمه یافت. سفر سوم این دو مردم‌شناس در ۲۳ مهر ۱۳۵۲ آغاز و در ۱ آذر ۱۳۵۲ به پایان رسید. در این سفر نامه که به صورت روز شمار و توالی تاریخی تنظیم و نوشته شده است، اطلاعات دقیق، مفصل و ارزشمندی درباره کلیه مسائل و موضوعات مردمان بختیاری به ثبت رسیده است. محدوده کار نویسنده کتاب و همکار فرانسوی‌اش گسترده بوده و شامل همه مسائل مردم‌شناسی چون آداب و رسوم، خوراک و پوشاک، طرز و شیوه زندگی، دامداری، کشاورزی، سیستم مالیاتی، پیشینه تاریخی، واحدهای اندازه‌گیری، زبان و دیگر موضوعات می‌گردد. این کتاب برای شناخت مسائل بختیاریها و علاقمندان به تحقیقات بختیاری‌شناسی بسیار مفید و ارزنده بوده و خواننده بامطالعه آن به دقت نظر و زحمت عمل دو مردم‌شناس فرانسوی و ایرانی پی خواهد برد.

